

بر سر افتادم چه می‌تازی مرا	سوختی جانم چه می‌سازی مرا
بوک بر گیری و بنوازی مرا	در رهت افتاده‌ام بر بوی آنک
بر نخیزم گر بیندازی مرا	لیک می‌ترسم که هرگز تا ابد
آدم تا چاره‌ای سازی مرا	بنده‌ی بیچاره گر می‌بایدت